

حمایت از اسرائیل در آمریکای در حال تغییر

اوون آلترمن - کمرون اس. برون*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۰۵

ترجمه: مهدی رمضانزاده**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵

چکیده

آلترمن و برون به عنوان دو متخصص با سابقه و مطلع در مقاله حاضر معتقدند که آمریکایی‌ها بر حسب سن، مذهب، تبار و درآمد حمایت‌های متفاوتی از اسرائیل و سیاست‌های آن به عمل می‌آورند. نویسندگان از افول مذهب در آمریکا و تاثیر شگرف این امر بر کاهش حمایت از اسرائیل خبر می‌دهند. پیمایشی و جدید و جامع‌الاطراف بودن این مقاله، مطالعه آن را ضروری و ثربخش می‌کند.

واژگان کلیدی: آمریکا، اسرائیل، مذهب‌گرایی، یهودیان آمریکایی

* پژوهشگران مقیم و ارشد در مرکز بین‌المللی مطالعات استراتژیک (INSS)

** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی و محقق جنبش‌های دینی-سیاسی معاصر

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال پانزدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۲۹-۱۱۱.

وقایعی که در سپتامبر ۲۰۱۲ در مجمع حزب دموکرات در آمریکا رخ داد، برای اسرائیل و حامیان آن تعجب‌انگیز بود. حزب دموکرات در اولین پیش‌نویس برنامه انتخاباتی خود، بیانیه سنتی مبنی بر اینکه اورشلیم «پایتخت اسرائیل هست و خواهد ماند» را حذف کرد. این تغییر موجب انتقاد فعالان طرفدار اسرائیل گردید و رهبر حزب دموکرات را به اصلاح این پیش‌نویس از طریق رای صوتی^۱ واداشت. در یک تصویر بزرگ‌تر از انتخابات ماه نوامبر، مشاهده می‌شود که رییس‌جمهور دوره قبل با وجود محبوبیت متوسط، اقتصاد ضعیف و مخالفت با قوانین شاخص در زمینه بهداشت و درمان، مجدداً انتخاب می‌شود.

این ملاحظات، با برخی تغییرات قابل توجه اجتماعی و جمعیتی در آمریکای در حال انتقال و تحول در ارتباط است. زمانی که بیل کلینتون در ۱۹۹۲ انتخاب شد، تنها ۴/۳ میلیون لاتینی به پای صندوق‌های رای رفتند. در ۲۰۰۰ وقتی که جورج دبلیو بوش در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد، تنها کمتر از شش میلیون لاتینی رای دادند. در حالی که در ۲۰۱۲، حدود ۱۲/۵ میلیون لاتینی که به‌طور تقریبی برابر است با سه برابر دو دهه قبل، در انتخابات شرکت کردند. به‌طور کلی تغییر در وابستگی‌های مذهبی و یا به عبارت دقیق‌تر نبود هرگونه وابستگی مذهبی در جامعه کنونی آمریکا، بسیار بیشتر از قبل چشمگیر می‌باشد. در سال ۱۹۷۲، هفت درصد از آمریکایی‌ها می‌گفتند که هیچ وابستگی مذهبی ندارند. این آمار در ۲۰۰۷ به ۱۵ درصد افزایش پیدا کرد و امروز به حدود ۲۰ درصد رسیده است. سرانجام اینکه، اختلاف و شکاف بین نسل‌ها در دادن رای در دهه‌های گذشته، با رای‌دهندگان جوان امروز بسیار عمیق‌تر شده است؛ جوانان امروز با حمایت مستمر خود از دموکرات‌ها و مسن‌ترها با رای دادن به جمهوری خواهان.

انتخابات ۲۰۱۲ قدرت این دو گرایش را به نمایش گذاشت و نشان داد که آنها چگونه عوامل تعیین‌کننده در نتایج انتخابات شدند. پس از انتخابات، روشنفکران واشنگتن اعم از دموکرات‌ها و

۱. رویه‌ای که در آن نیاز به رای‌گیری و شمارش اکثریت-اقلیت نیست و صرفاً از طریق اعلام نظر شفاهی انجام می‌شود.

جمهوری خواهان، مساله تغییر جمعیت را به عنوان یک معضل در آینده سیاست‌های حزبی مورد اشاره قرار داده‌اند. همان‌طور که گفته شد، به نظر می‌رسد تغییرات جمعیتی و اجتماعی در جامعه آمریکا، که همچنان نیز ادامه دارد، به حمایت مستمر، محکم و حزبی افکار عمومی آمریکایی‌ها از اسرائیل صدمه بزند و آن را در طولانی‌مدت سست گرداند و می‌تواند به یک موضوع نگران‌کننده در آینده روابط آمریکا و اسرائیل تبدیل گردد.

آنچه در مقاله حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد، این است که چگونه روند جمعیتی و گرایش‌های اجتماعی بر حمایت افکار عمومی ایالات متحده از اسرائیل تاثیر می‌گذارد. ما در اینجا متغیرهای متعددی از جمله گرایش‌های حزبی، اختلاف بین نسلی در حمایت از اسرائیل، کاهش مذهب‌گرایی، افزایش جمعیت لاتینی‌ها و تغییر چهره یهودیت در آمریکا را مورد شناسایی و بررسی قرار می‌دهیم. همچنین به این موضوع که چگونه هر یک از این متغیرها بر افکار عمومی آمریکا نسبت به اسرائیل تاثیر می‌گذارد نیز پرداخته خواهد شد و درمی‌یابیم که سه عامل نخست (شکاف حزبی، اختلاف نسل‌ها و افول مذهب‌گرایی) در سال‌های اخیر بیشتر از سایر عوامل باعث دور شدن مردم آمریکا نسبت به حمایت اسرائیل گردیده است. در پایان نیز می‌گوییم، طبیعت در حال تغییر یهودیان در آمریکا می‌تواند چالش‌های جدیدی را برای اسرائیل پیش آورد که اسرائیل و حامیان آن باید بتوانند آن را مدیریت کنند. مقاله حاضر در نتیجه‌گیری نهایی خود، راه‌کارهایی را در این زمینه که چگونه اسرائیل و حامیان آن می‌توانند همچنان در راس هرم افکار عمومی مردم آمریکا باشند و اقتدار اولیه خود را باز یابند، ارائه می‌دهد.

شکاف حزبی در حمایت از اسرائیل

همان‌زمانی که یکی از احزاب آمریکا در مورد عقاید خود نسبت به اسرائیل سخن گفت، زمانه تغییر کرد. در رای‌گیری‌ای که در طول عملیات ستون دفاعی اسرائیل در نوامبر ۲۰۱۲ انجام شده بود، ۸۰٪ جمهوری خواهان از اسرائیل اعلام حمایت کردند و این در حالی بود که ۵۰٪ دموکرات‌ها مخالف آن بودند. اما در رای‌گیری بین محافظه‌کاران و لیبرال‌ها، تفاوت از این میزان

هم بیشتر می‌شود. بیش از ۷۷٪ محافظه‌کاران از اسرائیل حمایت کردند و تنها ۶۰٪ مخالف حمایت بودند. در مقابل، ۳۷٪ لیبرال‌ها طرفدار حمایت از اسرائیل و ۲۷٪ آنها مخالف بودند. در تحلیل‌هایی از بررسی اطلاعات Pew، یافتیم که طرفداران حزب دموکرات ۱۳.۸٪ تمایل کمتری به ابراز حمایت آمریکا از اسرائیل و ۱۲.۳٪ تمایل بیشتری به ابراز حمایت آمریکا از اسرائیل دارند و هنگامی که به رتبه سنی، درآمد، تحصیلات، نژاد، مذهب و حضور در مراکز و فعالیت‌های مذهبی (مستقلاً یا به‌طور جمعی) این افراد نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که شکاف مذهبی همچنان بدون تغییر باقی مانده است. برای مثال، دموکرات‌های جوان کمتر از جمهوری‌خواهان جوان حامی اسرائیل‌اند و دموکرات‌هایی که وابستگی مذهبی کمتری دارند، نسبت به جمهوری‌خواهان مشابه کمتر حامی اسرائیل می‌باشند. به بیانی دیگر، آن رای جنجالی در بیانیه دموکرات‌ها (که در مقدمه بیان شد)، به احساسات هواداران وفادار به حزب جان بخشید. جالب اینجاست که دموکرات‌های مستقل به نسبت دموکرات‌های غیرمستقل کمتر از اسرائیل حمایت می‌کنند. حزب دموکرات مستقل تقریباً ۲۳٪ تمایل کمتری به حمایت از اسرائیل نسبت به جمهوری‌خواهان نشان می‌دهند (و این میزان حدود ۱۵٪ کمتر از متوسط آمریکایی‌ها می‌باشد). همان‌طور که در بالا اشاره شد، حتی در صورتی که معیارهایی چون سن، درآمد، تحصیلات، نژاد و مذهب را در دموکرات‌ها در نظر بگیریم، همچنان ۲۰٪ تمایل کمتری به حمایت از اسرائیل، نسبت به جمهوری‌خواهان دارند (و این حدود ۱۱٪ کمتر از متوسط آمریکایی‌ها می‌باشد). نتایج به عمل آمده از تحلیل‌گرانی که معتقدند آمریکا بسیار از اسرائیل حمایت می‌کند، در نمودار شماره یک نشان داده شده است.

شکاف بین احزاب در حمایت از اسرائیل توجه را به خود جلب می‌کند. محافظه‌کاران جزو دسته‌ای هستند که تئوری‌های متنوع سیاسی دارند؛ از نگرانی رو به رشد لیبرال نسبت به استفاده از زور (که کاربرد نیروی نظامی را به اسرائیل نسبت می‌دهند) تا گرایش بنیادی‌تر آنها به گسترش قطب‌گرایی در ایالات متحده آمریکا. دلیل اساسی و نتیجه اولیه آن واضح و روشن است: اختلاف بین احزاب در آمریکا یک واقعیت است و در حال گسترش می‌باشد.

شکاف بین نسلی

دومین متغیر شناخته شده، شکاف و یا همان اختلاف بین نسل‌ها می‌باشد که شامل «دوران طلایی»^۱ (۱۸ تا ۳۰ ساله‌ها) که نسبت به نسل‌های پیشین بیشتر منتقد اسرائیل هستند، «نسل شکوفا شده»^۲ (متولدین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴) و «نسل خاموش»^۳ (متولدین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۵)، می‌شوند. البته بیشترین تعداد مربوط به نسل X می‌باشد که شامل افراد بین دو نسل طلایی و نسل شکوفا می‌شود. نسل‌ها در بین احزاب گوناگون وابستگی‌های متنوعی دارند. از تجزیه و تحلیل حزب‌گرایی ذکر شده، زمانی که سایر عوامل دیگر را هم در نظر بگیریم چندان تاثیری در نتایج آن ندارد. برای مثال دموکرات‌هایی که در سنین دوران طلایی بسر می‌برند، نسبت به دموکرات‌هایی که متولد سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴ می‌باشند، کمتر از اسرائیل حمایت می‌کنند. هنگامی که وابستگی مذهبی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که دگرگونی و تحول نسل‌ها بین پروتستان‌های خودساخته شدیدتر است. لذا حمایت در میان مسیحیان خودساخته «دوباره متولد شده» کمتر تحت تاثیر قرار گرفته است (نمودار شماره دو).

در مورد این داده‌ها دو متغیر متناوب قابل توضیح می‌باشد؛ تغییر در افکار عمومی که دقیقاً در حال صورت گرفتن می‌باشد، یا شاید نسل‌های جوان‌تر کمتر از اسرائیل حمایت می‌کنند و هنگامی که پیر می‌شوند، حامی‌تر می‌گردند. برای توضیح این مطلب، اطلاعات و یافته‌های خود را با دو نظرسنجی سراسری CBS و نیویورک تایمز از اکتبر ۱۹۷۷ و آوریل ۱۹۷۸ مقایسه کرده‌ایم. جالب اینکه اختلاف بین نسل‌ها در گذشته کاملاً موضعی مخالف نسل‌های کنونی است: بازنشستگان (۶۵ سال به بالا) کمترین حمایت و افراد بین ۱۸ تا ۲۹ سال بیشترین حمایت خود را از اسرائیل نشان دادند. این نشان می‌دهد که به‌نظر می‌رسد نسل‌ها نگرش مثبت خود را نسبت به اسرائیل گسترش داده‌اند. لذا اگرچه جایگاه حامیان و طرفداران اسرائیل در گروه سنی دوران

1. Millennials
2. Baby Boomers
3. Silent Generation

طلایی (بین ۱۸ تا ۳۰ سال) کمتر باشد، با گذشت زمان و بعد از سنین ۳۵ سالگی حامیان نیرومندی برای اسرائیل خواهند بود.

کاهش مذهب‌گرایی

آمریکایی‌ها در برابر اروپایی‌هایی که چندان به خدا اعتقاد ندارند، مردمانی مذهبی به‌شمار می‌روند. اما در واقع وضعیت نسبتاً پیچیده‌ای در آمریکا وجود دارد. مذهب‌گرایی در آمریکا با سرعت زیادی در حال تنزل است که البته همین مساله حمایت آمریکا از اسرائیل را تحت تاثیر قرار داده است. پروتستان‌های سفید برای قرن‌ها از نظر اجتماعی و جمعیتی، پشتوانه آمریکا بوده‌اند که در سال ۲۰۰۷، ۳۹ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دادند و تا ۲۰۱۲ این میزان به ۳۴ درصد کاهش یافت. در طول این دوره تعداد افرادی که از این پس «پوچ‌گرایان» نامیده می‌شوند - آنها که هیچ وابستگی و تعلق مذهبی ندارند - به‌شدت افزایش یافت و از ۱۵ درصد به ۱۹٫۶ درصد رسید (این دسته‌بندی از پوچ‌گرایان شامل ملحدان و جاهلان می‌شود که اغلب آنها به‌راحتی می‌گویند به هیچ چیز اعتقاد و وابستگی مذهبی ندارند).

تا حد زیادی می‌توان گفت تمایل آمریکایی‌ها به‌طور فردی، ترک مذهب و بی‌دینی نیست، بلکه تغییر و تکامل نسل‌ها بیشتر عامل این تغییر و دگرگونی می‌باشد. آمریکایی‌های جوان‌تر و با تعلق کمتر به دین، جایگزین آمریکایی‌های مسن‌تر و با تعلق مذهبی بیشتر می‌شوند. در واقع، نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که پوچ‌گرایان از هر گروه، اغلب جوان‌ترین‌های آن گروه‌اند؛ که البته این روند با سرعت زیادی در نسل‌های آینده نیز در حال گسترش می‌باشد (نمودار شماره سه).

مساله تغییرات جمعیتی ناگهانی، دلیل نگرانی و یا حداقل یک علت بالقوه برای تغییر در راهبرد توسعه‌طلبی اسرائیل می‌تواند قلمداد شود که موجب شده است در دهه‌های اخیر پروتستان‌های معتقد به انجیل (اونجلیکا) را در اولویت قرار دهد. به‌نظر می‌رسد به‌طور متوسط، پروتستان‌های آمریکا به نسبت مسیحیان «دوباره متولد شده» بیشتر حامی اسرائیل می‌باشند. از سوی دیگر، در تجزیه آماری و تحلیل داده‌های نظرسنجی، در مقایسه با پروتستان‌ها، پوچ‌گراها ۲۳٪ کمتر طرفدار اسرائیل‌اند و ۱۹٫۵ درصد تمایل دارند که آمریکا حمایت بیشتری از اسرائیل

داشته باشد. در بین این گروه، بی‌دینان کمترین حمایت را نشان می‌دهند (۴۲٪ تمایل به حمایت بیشتر از اسرائیل) بعد از آن بی‌اعتقادها (۲۵٪) و پوچ‌گرایان (۱۵٪) می‌باشند. جابه‌جایی جمعیتی از معتقدین به پروتستان به سوی افرادی که هیچ‌گونه وابستگی مذهبی ندارند، می‌تواند حمایت از اسرائیل را در آمریکا کاهش دهد. به خصوص اینکه پوچ‌گرایان با سرعت فزاینده‌ای در آمریکا در حال گسترش‌اند که بیش از یک چهارم دموکرات‌ها (۲۷ درصد) شامل آنها می‌شوند. اسرائیل و حامیان آن، باید روش‌های تعامل با این گروه را بیابند.

افزایش لاتینی‌ها در آمریکا

از روند جمعیتی در حال ظهور در ایالات متحده، توجه چندانی به افزایش جمعیت لاتینی‌ها نمی‌شود. تخمین زده می‌شود که ۵۲ میلیون لاتینی در آمریکا زندگی می‌کنند (حدود ۱۷٪ از کل جمعیت) و از این تعداد، ۵۱٪ خارج از آمریکا به دنیا آمده‌اند. بیشتر این افراد شامل مکزیکی‌های مهاجر (بیشتر مهاجران غیرقانونی) می‌شوند که در سال‌های اخیر به آمریکا مهاجرت کرده‌اند.

برخلاف قوانین بسیاری از کشورها و طبق قوانین ایالات متحده، کمک‌های مالی به‌طور خودکار شامل همه شهروندانی که در آمریکا به دنیا آمده‌اند یا ملیت آمریکایی دارند، می‌شود، حتی اگر والدین آنها به‌صورت غیرقانونی وارد آمریکا شده باشند. در واقع کودکان این لاتینی‌ها، شهروندان آمریکایی محسوب می‌شوند. در حال حاضر آنان که در شرف رسیدن به سن رای‌دهی هستند، رو به افزایش‌اند. تخمین زده می‌شود ۸۰۰ هزار لاتینی در هر سال به سن رای دادن می‌رسند و انتظار می‌رود که در ۱۷ سال آینده به ۴۰٪ افراد واجد شرایط برای رای‌دهی برسند. در حالی که نرخ مشارکت برای لاتینی‌ها همچنان به اندازه قابل توجهی، در مقابل سفیدپوستان و سیاه‌پوستان (۵۰٪ در مقابل ۶۶٪ و ۶۵٪)، کمتر است، اما با این حال، این تعداد رای نیز قطعا در انتخابات آمریکا تاثیر قابل توجهی خواهد گذاشت.

افزایش تعداد (و البته قدرت) لاتینی‌ها نباید از دید یهودیان ساکن آمریکا دور بماند؛ زیرا همیشه این نگرانی وجود دارد که ممکن است بر تغییر مفهوم یهودیت و اسرائیل در آمریکا

اثرگذار باشد. سازمان‌های ملی مثل کمیته یهودیان آمریکایی (از طریق موسسه لاتین و آمریکای لاتین AJC، طرح تبادل^۱ و سایرین)، مجمع مبارزه با هتک حرمت^۲ (از طریق امور ابتکارات اسپانیایی تبارها و لاتینی‌ها و آمریکای لاتینی‌ها) و موسسه یهودی امور امنیت ملی (از طریق برنامه اتحاد لاتینی‌های یهودی^۳) با ابتکار عمل خود، فعالانه واکنش نشان دادند. در سطح محلی نیز لوس آنجلس، سان دیگو، تگزاس و جنوب فلوریدا، با مساله افزایش لاتینی‌ها روبه‌رو هستند. تمایل به این ابتکارات به احتمال زیاد به موازات رشد لاتینی‌ها گسترش یافته است.

در نگاه اول، میزان حمایت لاتینی‌های مقیم آمریکا، به نسبت متوسط مردم آمریکا یکسان به نظر می‌آید. در حال حاضر لاتینی‌ها به‌طور متوسط جوان‌تر هستند و نسبت به متوسط آمریکایی‌ها، به حزب دموکرات متمایل‌تر. به عبارت دیگر، با توجه به سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی لاتینی‌ها، انتظار می‌رود که آنها کمتر از متوسط آمریکایی‌ها حامی اسرائیل باشند. با این حال زمانی که سه عامل مورد بحث را در نظر می‌گیریم، در واقع آمریکایی‌های لاتینی تبار ۷۰۴ درصد بیشتر از متوسط آمریکایی‌ها، خود را طرفدار اسرائیل می‌دانند و این رقم به نه درصد افزایش می‌یابد؛ زمانی که معیارهایی چون درآمد، تحصیلات و حضور در کلیسا را به معیارهای قبلی اضافه می‌کنیم.

با وجود این، حضور رو به رشد و قدرت انتخاباتی لاتینی‌ها می‌تواند روند رو به مثبتی برای اسرائیل قلمداد گردد. به‌خصوص اینکه آنها در ابتدای شکوفایی هستند و ابتدا در سنین پایین، تمایل به حزب دموکرات دارند (لذا به نحوی روندی مشابه آمریکایی‌ها خواهند داشت). نتیجه اینکه، این گروه می‌توانند به‌عنوان یک عنصر جدید برای ائتلاف حامیان اسرائیل در آینده محسوب گردند. با وجود این، اسرائیل و حامیان آن می‌بایست به تحکیم حمایت‌های خود و یک پارچگی آن پردازند تا این اجتماع جایگاه خود را به‌دست آورد و بتوانند در امور خارجه نیز اثرگذار باشد.

1. Institute Latino y Latinoamericano del AJC, Project Interchange
2. Anti-Defamation League
3. Latin-Jewish Alliance Program

چهره در حال تغییر یهودیان آمریکایی

به طور کلی، یهودیان آمریکایی یک طبقه متوسط رو به بالای اشکنازی و ساکن حومه هستند که فرزندان خود را به مدارس با زبان عبری در لوکال رفورم یا کنیسه محافظه کاران می فرستند و وفادارانه حمایت های مالی و معنوی خود را برای آخرین «کمپین اضطراری» اسرائیل ارسال می کنند. اینها یهودیانی هستند که وقتی روشنفکران اسرائیلی در یک اجتماع سخنرانی می کنند، همگی حاضر می شوند؛ افرادی که حتی کودکان آنها موضوع برخی طنزهای اسرائیلی ها می باشند.

۱۱۹

این دسته از یهودیان همچنان در آمریکا وجود دارند، اما تعداد آنها به شدت کاهش یافته است. تازه ترین و کامل ترین مدارک در این زمینه در گزارش جمعیت ژوئن ۲۰۱۲ توسط «استیو کوهن» و دیگران در «یهودیان نیویورک» آمده است اگرچه آمار و ارقام سراسری با آمار گزارش نیویورک کمی متفاوت است اما مطالعات قبلی نشان می دهد این روند روبه رشد، تا حد زیادی مشابه می باشد. از یک طرف همگون سازی و نرخ پایین تولد در میان غیرارتدوکس ها با سرعت زیادی در حال انجام است (به احتمال زیاد مطابق با روند کلی کاهش دین داری در بین آمریکایی ها)، در عین حال نرخ بالای زاد و ولد در میان یهودیان ارتدوکس (به ویژه ارتدوکس های افراطی یا هرادایم^۱) بر وضعیت جمعیت شناختی این منطقه تاثیر گذاشته است. روی هم رفته این گرایش ها در طولانی مدت، هسته اصلی یهودیان آمریکایی را پوک و توخالی کرده است: وابستگی و حومه نشینان غیر ارتدوکس.^۲

در منطقه نیویورک درصد خانوارهای یهودی وابسته به اصلاحات^۳ و جنبش های محافظه کار از ۷۰٪ در ۱۹۹۱ به ۴۲٪ در ۲۰۱۱ کاهش یافته است. در همین حال، وابستگی ارتدوکس ها از ۱۳٪ به ۲۰٪ افزایش یافته و باقی افراد از ۱۵٪ به ۳۷٪ افزایش یافته است (مربوط است به پوچ گرایان در مطالعات مذهبی در آمریکا).

1. Ultra-Orthodox or Haredim
2. Non-Orthodox Suburbanites
3. Households Affiliated with the Reform Jewish

تغییر شکل یهودیان آمریکایی در گسترش روابط آمریکا و اسرائیل، موضوعی بسیار بحرانی است؛ زیرا دقیقا این افراد هستند که در تلاش برای حمایت از اسرائیل در بین مردم، همیشه پیشگامند و به نوعی نمایندگان سیاسی اسرائیل می‌باشند. برای مثال، زمانی که کمیته امور مردمی اسرائیلی - آمریکایی (AIPAC) تلاش بسیاری برای ایجاد تنوع قومی و مذهبی در کمپ طرفداران اسرائیل نمودند، تقریبا تمام هیات مدیره AIPAC، کارکنان و اغلب اهداکنندگان و حامیان اسرائیل، یهودی باقی ماندند. به این مساله هرگز نباید به چشم یک شکست نگریسته شود، بلکه برعکس، اسرائیل و جنبش صهیونیسم برای مدت طولانی روی یک باند ویژه به نام دیاسپورا (یهودیان) کار کرده بودند (و این نتیجه این گونه فعالیت‌ها بوده است)، لذا طبیعی و مناسب به نظر می‌رسد که یهودیان، امور سیاسی طرفداران اسرائیل را رهبری و هدایت کنند و حتی دیگران نیز به آنها ملحق شوند.

تغییرات جمعیتی در میان یهودیان آمریکایی، هم‌زمان بر سازمان‌های طرفدار اسرائیل و همچنین به نوبه خود، بر بسیاری از بنیادهای حمایت از اسرائیل در افکار عمومی مردم آمریکا تاثیر خواهد گذاشت. برای مثال، یهودیان ارتدوکس که بسیاری از آنها ابراز دلبستگی فراوان به اسرائیل دارند، در نقش رهبری بسیار بیشتر از سایرین اثرگذارند و این موضوعی است که در حال حاضر در میان ارتدوکس مدرن آغاز شده است. لیتوانیایی‌های هرادیم (برای مثال غیرحسیدی‌ها) یکی دیگر از منابع بالقوه رهبری هستند، به خصوص اینکه دلبستگی و علاقه زیادی نسبت به اسرائیل از خود نشان می‌دهند و از نرخ بالای زاد و ولد و سطح درآمد و نیز تحصیلات بالایی برخوردارند.

در حالی که دخالت زیاد ارتدوکس‌ها برای حفظ جایگاه اسرائیل در طولانی‌مدت و در افکار عمومی لازم و ضروری می‌باشد، چند مساله کلیدی مطرح است. اولین و اساسی‌ترین سوال اینکه چگونه باید نیروهای طرفدار اسرائیل، تناقض میان رهبری آمریکا (که بیشتر دارای اعتقادات مذهبی هستند) و کاهش وابستگی مذهبی بین آمریکایی‌ها را اصلاح کنند؟ به همین ترتیب، یهودیان ارتدوکس به میزان بالایی در انتخابات ۲۰۱۲ برای رای دادن به «میت رامنی» مشارکت کردند و این برای کمک به افزایش سهم جمهوری خواهان یهودی آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری و

افزایش مشارکت در انتخابات از ۲۲٪ به ۳۰٪ بود. حال اگر چالش حفظ حمایت از اسرائیل در میان دموکرات‌ها باشد، چگونه فردی متمایل به حزب جمهوری خواه به رهبری برسد؟ در طولانی مدت انتظار می‌رود، کاهش تعداد وابستگان به مذهب مانند غیریهودیان ارتدوکس، بتواند مانع رشد جمعیت و قدرت یهودیان آمریکایی با گرایش لیبرالیسم سنتی (و محدود کردن دورنما برای گروه‌هایی چوب‌بال چپ اسرائیل‌گرای جی استریت^۱) شود. می‌توان تصور کرد که لیبرال‌های یهودی آمریکا پلی برای خدمت به اسرائیل، در جهت افزایش گروه‌های جمعیتی در آمریکای در حال تغییر هستند؛ که با وجود ایستادن، روز به روز در حال سست شدن می‌باشد.

نتیجه‌گیری و راه‌کارها

در کل، تعداد نظرسنجی‌ها در مورد تمایلات و احساسات طرفداران اسرائیل در ایالات متحده - با سابقه بالای خود که نزدیک به ۶۳٪ حمایت بوده است - می‌تواند یک حس کاذب امنیت را در اسرائیل القا کند. با دقت در اعداد و ارقام، ترکیب اجتماعی و روند جمعیتی، تصویر کاملی در ذهن نقش می‌بندد: جمعیت غیرمذهبی در حال افزایش در آمریکا، جوانانی که نسل جدید رای‌دهندگان هستند و به‌طور قابل توجهی کمتر از مسن‌ترها از اسرائیل حمایت می‌کنند، و آنان که اجتماع یهودیان را تشکیل می‌دهند که با وجود تمایل کلی جامعه کنونی آمریکا به بی‌مذهبی، همچنان تمایل به مذهبی شدن در آنها بیشتر است.

مسئله قابل توجه دیگر اینکه، هر سه روند اصلی که ابتدائاً شرح داده شد و کاملاً علیه اسرائیل عمل می‌کنند (شکاف حزبی، نسل‌ها و مذهب)، به‌راحتی در یک گروه قابل توصیف نمی‌باشند. هریک از این عوامل تاثیر ویژه خود را به‌طور مستقل دارد (هریک از حدود ۱۲ تا ۱۷ درصد) و حال همه این عوامل به‌صورت مرکب بر جایگاه عمومی اسرائیل تاثیر گذاشته‌اند. بنابراین برای مثال، پیرتر، سفید و پروتستان جمهوری خواه به احتمال زیاد (۷۹٪) می‌گویند که از موضع ایالات

1. Israel-Oriented J street

متحده در مقابل اسرائیل حمایت می‌کند. در حالی که یک سفید دموکرات پیر و البته پوچ‌گرا بعید (۳۳٪) است که از موضع اسرائیل حمایت کند.

اسرائیل و حامیان آن نمی‌توانند به نسل جوان و یهودی پروتستان برگردند؛ نمی‌توانند به یهودیان غیر ارتدوکس آمریکایی دستور دهند که تعداد فرزند بیشتر و یا گستردگی بیشتری داشته باشند؛ و نیز نمی‌توانند به طرز معجزه‌آسایی آمریکایی‌های دهه ۱۹۹۰ را برگردانند، بلکه باید ایالات متحده را از نظر جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار دهند تا دریابند که چگونه می‌توان چالش ناشی از این تغییرات جمعیتی را کنترل و مدیریت کرد.

به طور خاص، اسرائیل و حامیان آن نیاز به حفظ حمایت توده‌های مردم در بین دموکرات‌ها دارند. تغییر افکار عمومی در بین دموکرات‌ها باید به کاهش پشتیبانی از کنگره آمریکا که همچنان دارای قدرت است، تبدیل شود. سوال دیگر اینکه، یکی از مسائل جواب داده نشده در مورد رابطه آمریکا و اسرائیل، چه زمان و تا چه اندازه، کاهش حمایت از اسرائیل در میان دموکرات‌ها، بر میزان رای‌دهی و شعارهای قانون‌گذاران دموکرات، تاثیر می‌گذارد؟ پاسخ به این پرسش، مشخص خواهد کرد که تا چه اندازه اسرائیل در تمامی بخش‌ها، به موفقیت رسیده است و حامیان آن تا چه اندازه در بازسازی و ایجاد یک نیروی طرفدار اسرائیل از بین افرادی با پیشینه دموکراتیک، موفق بوده‌اند.

البته بخشی از این تلاش‌ها در جهت توسعه تعامل با قسمتی از این گروه در حال افزایش بوده است. به‌نظر می‌رسد، کانون توجه قرار دادن مداوم دانشگاه‌ها به عنوان یک ابزار کلیدی برای نزدیک‌تر کردن نسل‌ها، می‌تواند مورد تاکید قرار گیرد. تلاش‌های خوبی برای تعامل با لاتینی‌ها، به‌خصوص از طریق سازمان‌های یهودی آمریکایی، در جریان است. اسرائیل باید روی این تلاش‌ها نه‌تنها از طریق دیپلمات‌های فرستاده شده در ایالات متحده، بلکه از طریق سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران در اسرائیل نیز برای تثبیت و گسترش حمایت از خود سرمایه‌گذاری کند. وزارت امور خارجه به‌نظر می‌رسد نسبت به نیازها و لزوم شدت بخشیدن به این تلاش‌ها، کاملاً آگاهی دارد؛ از جمله از طریق زبان محلی اسپانیایی که وظیفه ایجاد ارتباط بین اسرائیل و جوامع لاتین را برعهده دارد. دنی آبالون، معاون وزیر امور خارجه اسرائیل که به زبان اسپانیولی مسلط است، در

سفر اخیر خود به فلوریدای جنوبی با رهبران لاتینی ملاقات و به مصاحبه با رسانه اسپانیولی آمریکایی، پرداخت.

تعامل با پوچ‌گرایان چالش بزرگ‌تری خواهد بود. عدم وابستگی رو به رشد به دین که می‌تواند باعث عدم مشارکت در امور اجتماعی گردد، موضوعی است که مورد توجه محقق «رابرت پوتنام» قرار گرفته است. بر این اساس پوچ‌گرایان نه تنها از طریق کلیساها قابل دسترسی نیستند، بلکه به علت عدم وابستگی به هیچ رفتار ویژه‌ای، از همه گروه‌های اجتماعی نیز دورند. لذا نیروهای طرفدار اسرائیل می‌بایست منابع بیشتری را برای ارتقاء معلومات خود از اینکه این گروه از افراد از چه منبعی آگاه می‌شوند و مهم‌تر از آن اینکه چه کسانی به این گروه خط سیاسی می‌دهند؟ اختصاص دهند. برای مثال، شاید بهترین راه برای مدیریت و هدایت این بخش، تبدیل بخشی از فعالیت‌های گروه‌های طرفدار اسرائیل از رسانه‌های جمعی به رسانه‌های کوچک‌تر و دستیابی به جامعه مخاطبین کمتر اما با دقت و اثر بیشتر، باشد. لذا به جای آنکه رهبران اسرائیل به تشویق طرفداران و انتشار عقاید صهیونیسم در روزنامه‌های داخلی بپردازند، باید حامیان خود را تشویق کنند تا در رسانه‌ها؛ اعم از رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های اینترنتی و یا برنامه‌های تلویزیونی محلی، ظاهر شوند. در اینجا هدف بیشتر به دست آوردن توجه پوچ‌گرایان می‌باشد. اولین پله این راهبرد نیز باید بررسی این موضوع باشد که این گروه که دارای پراکندگی جمعیت هستند، از کجا اطلاعات خود را به دست می‌آورند و چگونه می‌توان به عقاید آنان شکل داد. در حالی که تلاش‌های مربوط به توسعه روابط با لاتینی‌ها پیشرفت بهتری دارد، در عین حال راه‌های به دست آوردن پوچ‌گراها بسیار مهم‌تر و نیز چالشی‌تر می‌باشد.

در نهایت اینکه، نیروهای طرفدار اسرائیل باید خود را با شرایط تغییر یافته جمعیت‌شناختی یهودیان آمریکا، وفق دهند. هسته کوچک وابستگی، تهدیدها و خطرات یهودیان غیرارتدوکس، برای لطمه زدن به ستون جامعه طرفدار اسرائیل کافی است. یک سوال اساسی در دهه‌های آتی این است که، چگونه می‌توان این گروه را تکمیل کرد؟ آیا با افزایش تعداد ارتدوکس‌های مدرن آمریکا و یا لیتوانیایی‌های هرادیم، غیریهودی‌های آمریکایی احساساتی یا مشارکت بیشتر اسرائیلی‌های سکولار (در هر جایی که زندگی می‌کنند)؟! در این راستا مقامات اسرائیل باید برای

مشارکت هرچه بیشتر لیتوانیایی‌های هرادیم و نمایندگان حسیدی، در جلسات و انجمن‌هایی که بین اسرائیل و رهبران یهودی در آمریکا تشکیل می‌شود، تلاش کنند. ضمناً به این دلیل که لیبرال‌ها و پوچ‌گرایان تمایل چندانی به شنیدن صحبت‌های این گروه ندارند، کسب حمایت آنان نیاز به کار بیشتر و کمک سازمان‌های چپ‌گرا دارد. برای موسسه آمریکایی طرفدار اسرائیل که ارزش بسیاری برای همبستگی خود قائلند، این مساله یک چالش اساسی می‌باشد. AIPAC به‌عنوان یک نمونه روشن است که در دهه ۱۹۵۰ به‌وجود آمد و بر موضوع جامعه و سیاست در آمریکا متمرکز می‌باشد؛ خواه در سه شبکه تلویزیونی خود، سه شرکت اتومبیل‌سازی، سه فرقه قوی و مجزای یهودی، دو گروه نژادی متمایز یا دو حزب قوی سیاسی که مشترکاً در واشنگتن در حال فعالیت می‌باشند. آمریکا امروز به‌مراتب بیشتر تکه‌تکه شده است؛ علت و معلول برخی از این روندها در این مقاله شرح داده شد.

پس از آن، چگونه سازمان‌های عصر صنعتی طرفدار اسرائیل می‌توانند با چالش‌های آمریکای پساصنعتی مواجه شوند؟ بسیاری از یهودیان آمریکایی برای مدت طولانی استدلال می‌کردند که یک سازمان به تنهایی می‌تواند از سوی تمامی حامیان اسرائیل صحبت کند، اما نظر ما متفاوت است؛ در دوران قطبی شدن و گسست‌های اجتماعی، مورد تردید است که یک سازمان به‌تنهایی بتواند به‌طور موثر نظر همه اقشار را در افکار عمومی آمریکا تحت تاثیر قرار دهد. حقیقتاً در دهه گذشته، در همه دنیا، با گسترش نیروهای طرفدار اسرائیل روبه‌رو بودیم؛ اعم از بال‌چپ جی استریت، بال راست «کمیته اضطراری برای اسرائیل»^۱ یا انجام عملیات فردی اهداکنندگان و فعالانی مانند «شلدون آدلسون» و این از نظر ما چیزی جز لطف نمی‌باشد.

البته تمرکزگرایی، نیروهای طرفدار اسرائیل را قادر می‌سازد که بیشترین بهره را از نظر اقتصادی و افزایش قدرت از طریق افزایش تعداد، داشته باشند. یک راه حل در مقابل این فشارهای منفی این است که بین لابی‌های واشنگتن‌گرا مانند AIPAC - که تجزیه و تحلیل هزینه و فایده مبنای تمرکزگرایی آنهاست - و گروه حامیان مردم‌گرا - که در مورد آنها هدف‌گرایی

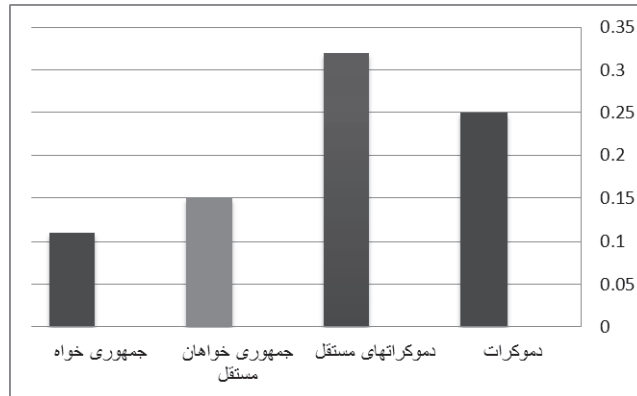
1. Right Wing Emergency Committee for Israel

و چابکی‌شان می‌تواند مفید باشد. تفاوت قائل شویم. برای این گروه‌های حامی، یک امکان این است که به سوی یک مدل ائتلافی حرکت کنند؛ جایی که نهادهای مختلف برای اقشار مختلف فعالان طرفدار اسرائیل و همچنین عموم مردم آمریکا، صحبت کنند. یک نوع از این مدل ائتلافی هم‌اکنون توسط اسرائیل در سطح دانشگاهی و در یک ائتلاف دانشگاهی ایجاد شده است. در مقیاس بزرگ‌تر، یک نهاد مرکزی که توسط دولت هدایت می‌شود و تامین مالی آن از طریق گروه‌های اصلی تامین می‌گردد، به‌وجود آمده است. با این حال، از این گروه یکی می‌تواند لیبرال‌های طرفدار اسرائیل که علاقه کمتری به خودستایی چون شاخه مردمی جی استریت^۱ (صدای مخالفان در برخی سیاست‌های اسرائیل) دارند و بیشتر مایلند که احساسات مثبت نسبت به اسرائیل را در میان آمریکایی‌های لیبرال، به چالش بکشند را به یکدیگر نزدیک کند. نهاد هماهنگ‌کننده می‌تواند برای حفظ حیثیت و قدرت، حتی با تفویض اختیارات جهت رسمیت بخشیدن به گروه‌های تشکیل‌دهنده عمل کند و برای موثر واقع شدن پیام‌های مورد هدف خود قادر باشد. صرف نظر از ساختار سازمانی، نبرد برای آینده حمایت از اسرائیل توسط حزب دموکرات بایست توسط حامیان از درون صفوف خود حزب، به پیروزی منجر شود.

در پایان، اگر طی چند دهه آینده افکار عمومی آمریکایی‌ها در مورد اسرائیل بسیار تغییر کرده است، سیاست‌گذاران اسرائیل باید مفاهیم راهبردی خود را مورد ملاحظه بیشتری قرار دهند. کارهای زیادی باید انجام شود تا حمایت از اسرائیل در میان آمریکایی‌ها به حداکثر میزان خود برسد که حتی می‌تواند باعث تغییر در سیاست‌های اسرائیل نسبت به همسایگان خود نیز باشد. فراتر از آن، رهبران اسرائیل باید هر آنچه که می‌توانند برای اسرائیل انجام دهند را مورد ملاحظه قرار دهند، به‌خصوص به‌دست آوردن حمایت حداکثری از اسرائیل در میان مردم آمریکا برای حفظ روابط اسرائیل - آمریکا و یا حفظ جایگاه ژئوپلیتیک گسترده‌تر اسرائیل. لذا، چالش اساسی به حداکثر رساندن حمایت مردم آمریکا و سپس شناسایی دیگر راهبردهای سیاسی و ژئوپلیتیکی جهت جبران هرگونه کاهش در حمایت حداکثری مردم آمریکا از اسرائیل می‌باشد.

1. J Street's Grassroots Arms

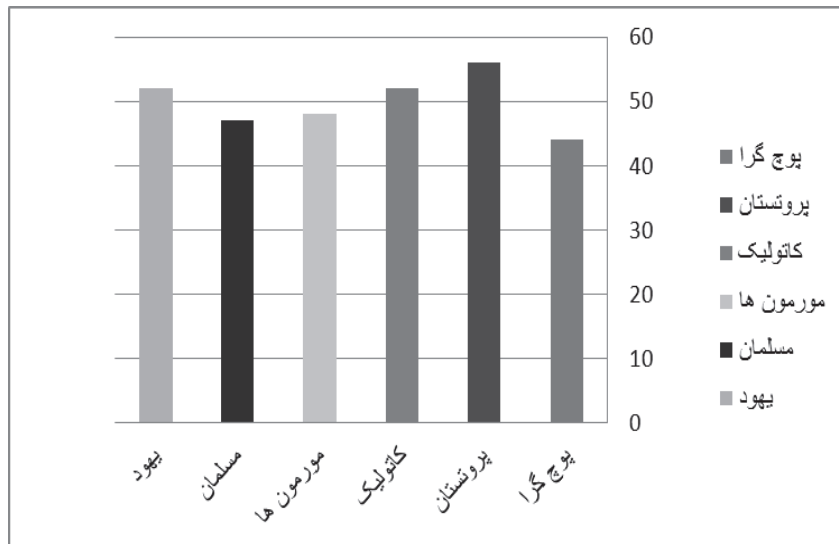
نمودار شماره یک



نمودار شماره دو



نمودار شماره سه



1. Amnon Cavari(2012), “Religious Beliefs, Elite Polarization, and Public Opinion on Foreign Policy: The Partisan Gap in American Public Opinion toward Israel,” *International Journal of Public Opinion Research*, Published online January 27, p. 3.
2. Brog, David(2013), “The Failure of the American Jewish Left,” *Middle East Quarterly*, Vol. 20, no. 1, <http://www.meforum.org/3358/americanjewish-left>.
3. Barreto, Matt A. and Segura, Gary M., “Familiarity, Commonality, Attitudes and Perceptions of Latinos toward US Jews and Issues of Concern to the Jewish Community in Five US Cities: A Project of the AJC – Findings and Analysis,” American Jewish Committee/Latino Decisions, April 11, 2012; http://faculty.washington.edu/mbarreto/ld/ajc_final.html. The study found that many
4. CNN/ORC International Poll, November 19, 2012, (Conducted November 16-18, 2012), <http://i2.cdn.turner.com/cnn/2012/images/11/19/rel17a.pdf>.
5. Cohen, Steven M. & Miller.Ron , & Ukeles, Jacob B., Jewish Community Study of New York: 2011 - Comprehensive Report, New York: UJA-Federation of New York. June 2012 , p. 19, <http://www.ujafedny.org/jewish-community-studyof-new-york-2011/>. In addition to the five boroughs, the report surveyed the Jewish population in Long Island and in Westchester County. The survey did not include Jews in New York’s Rockland County or in New Jersey or Connecticut.
6. Data for 2011 is based on US Census Bureau estimates at: <http://www.census.gov/popest/data/national/asrh/2011/tables/NC-EST2011-03.xls>.
Data for 1992 and 2000 is based on US Census Bureau estimates at: <http://www.census.gov/popest/data/national/totals/1990s/tables/nat-srh.txt> (released January 2, 2001).
7. Eichner, Itamar(2012), “Ayalon Returns from US Trip and will Meet with the Minister who Ousted him,” *Yediot Ahronot*, December 11, <http://www.ynet.co.il/articles/0,7340,L-4318514,00.html>.
- 8.http://www.rasmussenreports.com/public_content/politics/current_events/healthcare/health_care_law.
9. Jonathan Rynhold(2012), Presentation, “Democrats, Liberals and the American Attitude to Israel and the Middle East,” June 18, available at <http://www.youtube.com/watch?v=JW9for7rZ8I>. Our own analysis of polling data also supports this theory.
10. Kampeas, Ron(2012), “Fighting over Every Percentage Point: Arguing about the Jewish Vote and Exit Polls,” *Jewish Telegraphic Agency*, November 7, <http://www.jta>.

org/news/article/2012/11/07/3111381/fighting-over-everypercentile-arguing-about-the-jewish-vote-and-exit-polls.

11. Mendes, Elizabeth(2012), “Americans Continue to Tilt Pro-Israel,” Gallup website, March 2, <http://www.gallup.com/poll/153092/Americans-Continue-Tilt-Pro-Israel.aspx>.

12. Pew Hispanic Center(2012), “An Awakened Giant: The Hispanic Electorate Is Likely to Double by 2030,” November 14, 2012, http://www.pewhispanic.org/files/2012/11/hispanic_vote_likely_to_double_by_2030_11-14-12.pdf.

13. Pew Forum on Religion & Public Life(2012), “‘Nones’ on the Rise: One-in-Five Adults Have No Religious Affiliation,” October 9, 2012, http://www.pewforum.org/uploadedFiles/Topics/Religious_Affiliation/Unaffiliated/NonesOnTheRise-full.Pdf

14. Pew Research Center for the People & the Press(2011), “The Generation Gap and the 2012 Election,” November 3, 2011, <http://www.people-press.org/2011/11/03/the-generation-gap-and-the-2012-election-3/>.

15. Pew Research Center for the People & the Press(2012), “March 2012 Political Survey,” March 3, <http://www.people-press.org/2012/03/03/march-2012->

16. Popkin, Samuel L.(1991&1994), *The Reasoning Voter: Communication and Persuasion in Presidential Campaigns*, Chicago: University of Chicago Press.

17. Rosenblatt, Gary(2012) , “A Community Pulling Apart?” *Jewish Week*, June 12, <http://www.thejewishweek.com/editorial-opinion/gary-rosenblatt/community-pulling-apart>.

18. “The City Vote, Precinct by Precinct,” *New York Times*, November 23, 2012, <http://www.nytimes.com/interactive/2012/11/24/nyregion/the-city-voteprecinct-by-precinct.html>.

19. Raw data is available at CBS News/New York Times Polls, 1977-1978 (ICPSR 7818) , <http://www.icpsr.umich.edu/icpsrweb/ICPSR/studies/7818>.

20. U. S. Constitution, Amendment XIV, Section 1.

21. Wilson, Scott(2012), “Democrats Restore to Party Platform Language on Jerusalem,” *Washington Post*.